

The Protection of Private Property During Occupation from the Perspective of International Humanitarian Law with a Look at the Events of the Gaza War (2023–2025)

 **SayedFadlallahMousavi**

Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)
fmousavi@ut.ac.ir

 **Alireza Rezakhani**

LL.M in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran
alireza.rezakhani@ut.ac.ir

 **Alireza Delavar**

LL.M in Oil and Gas Law, University of Tehran, Tehran, Iran
alirezadelavar@ut.ac.ir

 **Sepideh Ahmadianfard**

LL.M in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran
sep.fard.sepideh@gmail.com



Abstract

Private property, alongside individual liberty, has long been regarded by many thinkers as one of the foundational pillars in the emergence of civilized and autonomous human societies. Within the framework of International Humanitarian Law (IHL), the protection of civilians' private property in occupied territories is a core obligation of any occupying power. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing upon library research, international legal instruments, and a comparative assessment of the events of the Gaza War (2023-2025), this study examines the scope of these obligations and evaluates Israel's compliance with them. The findings show that the Four Geneva Conventions of 1949, the Hague Regulations of 1907, and customary international law impose three principal duties upon the occupying power: the prohibition of its permanent appropriation, and the prohibition of pillage.

Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 Winter
2026
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

10.22034/jrpl.2025.2072273.1181

Destruction or limited seizure is permissible only in situations of “absolute military necessity,” and even then must be temporary, proportionate, and strictly justified. Widespread violations of private property in occupied territories often intersect with other grave offenses, such as forcible transfer, persecution, and cruel or degrading treatment, and may form part of broader patterns of collective punishment or ethnic cleansing. The review of events in the Gaza War demonstrates that the Israeli military has breached these legal obligations through the systematic and deliberate destruction of residential areas, infrastructure, agricultural lands, and both movable and immovable property, as well as through the organized pillaging of civilians’ belongings. Many of these actions lacked legitimate military justification and appear to have been carried out for purposes including collective punishment, demographic engineering, and long-term political objectives. Accordingly, these acts constitute not only serious violations of IHL but also prosecutable **war crimes** and **crimes against humanity** within the jurisdiction of the International Criminal Court (ICC). The study concludes that the systematic infringement of private property rights in Gaza has produced devastating humanitarian and economic consequences, and underscores the responsibility of the international community to ensure accountability through legal mechanisms such as sanctions, criminal prosecution, and support for the documentation and investigation of violations.


Keywords: Ballast Water, Invasive Species, International Maritime Organization, Marine Environment, Ballast Water Management Convention.




حمایت از مالکیت خصوصی در دوران اشغال از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه با نگاهی به وقایع جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵)

سید فضل الله موسوی 


استاد گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
fmousavi@ut.ac.ir

علیرضا رضاخانی 

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علیرضا دلاور 

alireza.rezakhan@ut.ac.ir
دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران، تهران، ایران
alirezadelavar@ut.ac.ir

سپیده احمدیان فرد 

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران

sep.fard.sepideh@gmail.com



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

10.22034/jrpl.2025.2072273.1181

چکیده

به اعتقاد برخی اندیشمندان مالکیت خصوصی در کنار آزادی جزو پایه‌های بنیادین شکل‌گیری نخستین تمدن انسان‌های آزاد است. حمایت از مالکیت خصوصی غیرنظامیان سرزمین‌های اشغالی، یکی از تعهدات اصلی قدرت اشغالگر در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و وقایع جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵)، به تحلیل تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در قبال مالکیت خصوصی و میزان پایبندی اسرائیل به این تعهدات می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و مقررات لاهه (۱۹۰۷) در کنار قواعد عرفی بین‌المللی، سه تعهد اصلی «منع تخریب»، «منع مصادره دائمی» و «منع غارت» اموال خصوصی را بر عهده قدرت اشغالگر گذاشته‌اند.

این اسناد، تنها در موارد «ضرورت مطلق نظامی» و آن هم به صورت موقت و مشروط، اجازه تخریب یا تصرف محدود در اموال خصوصی را می‌دهند. نقض مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی چنانچه گسترده باشد، غالباً با سایر جرایم بین‌المللی از جمله کوچ اجباری، آزار و اذیت و رفتارهای ظالمانه و ضد حیثیت انسانی هم‌پوشانی می‌یابد و می‌تواند به‌عنوان بخشی از سیاستی گسترده برای تنبیه جمعی یا پاک‌سازی قومی قلمداد شود. بررسی وقایع جنگ غزه نشان می‌دهد که ارتش اسرائیل با تخریب گسترده و عمدی اماکن مسکونی، زیرساخت‌ها، مزارع، اموال منقول و غیرمنقول، غارت سازمان‌یافته دارایی‌های شخصی غیرنظامیان، این تعهدات را نقض کرده‌اند. این اقدامات که در بسیاری از موارد فاقد توجیه نظامی بوده و با اهدافی چون تنبیه جمعی یا پاک‌سازی قومی و تحقق اهداف سیاسی بلندمدت انجام شده، نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بلکه در زمره «جنایات جنگی» و «جنایت علیه بشریت» قابل تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی نیز هستند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که نقض نظام‌مند حق مالکیت خصوصی در غزه، پیامدهای انسانی و اقتصادی ویرانگری داشته و جامعه بین‌المللی را ملزم می‌سازد تا با استفاده از سازوکارهای حقوقی، از جمله تحریم، پیگرد کیفری و حمایت از مستندسازی نقض‌های ارتكابی، پاسخگویی قدرت اشغالگر را تضمین کنند.

کلیدواژه‌ها: اشغال، تخریب، جنگ غزه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، غارت، مالکیت خصوصی، مصادره.

مقدمه

«حقوق بین الملل بشردوستانه»^۱ یا «حقوق در جنگ»^۲، به عنوان محصول خرد جمعی جامعه جهانی برای مهار خشونت‌های جنگ، در طول قرن گذشته تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشته است. این نظام حقوقی، چارچوبی وسیع و مشتعل بر طیفی از قواعد و مقررات عرفی و موضوعه است که درصدد تحدید آثار ویرانگر مخاصمات مسلحانه بر حیات انسانی و زیرساخت‌های غیرنظامی است. رسالت حقوق در چارچوب مخاصمات مسلحانه، کاهش شدت تخریب ناشی از جنگ است (عبدی و دیگران، ۱۴۰۳، ۳۴۱).

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اشغال نظامی سرزمین‌ها همواره با چالش‌های پیچیده‌ای در حقوق بین‌الملل بشردوستانه همراه بوده است که فراتر از صرف تلفات جانی، ابعاد گسترده‌تری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بستر اشغال نظامی، ممکن است نقض نظام‌مند حقوق مالکیت غیرنظامیان رخ بدهد. بررسی سوابق تاریخی از جنگ جهانی دوم تا مناقشات معاصر نشان می‌دهد که اقداماتی چون تخریب عمدی اماکن مسکونی به قصد اقدامات تنبیهی، توقیف خودسرانه اموال و غارت به اشکال مختلف اتفاق می‌افتد. تخریب اموال، هم حق مالکیت غیرنظامیان و هم حیثیت ایشان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. حق بر «مالکیت خصوصی»^۳ به عنوان یکی از ارکان حقوق بشر و آزادی‌های فردی، در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) به رسمیت شناخته شده است. در عین حال، حمایت از مالکیت خصوصی یکی از موضوعات مورد مطالعه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است؛ از این رو تبیین ابعاد مختلف آن ضروری به نظر می‌رسد.

در مقطع کنونی، جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) یک تجلی آشکار از نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر است. گزارش‌های مستند سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری حاکی از نقض گسترده این حقوق از جمله مالکیت خصوصی غیرنظامیان در این مناقشه است که پیامدهای عمیق انسانی، اقتصادی و

1. International Humanitarian Law

2. Jus in bello

3. Private property

اجتماعی به همراه داشته‌اند. موضوعی که بررسی آن در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر دوران اشغال، لازم است. این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی و روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای اطلاعات، درصدد است تا با بررسی تطبیقی تعهدات حقوقی قدرت‌های اشغالگر در اسناد بین‌المللی و انطباق آن با عملکرد اسرائیل در جنگ غزه (۲۰۲۵-۲۰۲۳) به پاسخ پرسش‌های زیر بپردازد: قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه چه تعهداتی را برای حفاظت از مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی بر قدرت اشغالگر تحمیل می‌کند؟ چه مصادیقی از نقض مالکیت خصوصی در جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) قابل شناسایی است؟ فرضیه اول نویسندگان این است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تحمیل تعهدات سه‌گانه منع تخریب، منع مصادره و منع غارت، قدرت اشغالگر را ملزم به رعایت چارچوب حقوقی مشخصی نسبت به مالکیت و اموال خصوصی می‌کند. فرضیه دوم نویسندگان این است که باتوجه به شواهد میدانی و گزارش‌های منتشر شده از جنگ غزه، اسرائیل تعهدات مرتبط با منع تخریب و منع غارت را به شکل فاحشی نقض کرده است.

۱. مفاهیم مقدماتی

۱/۱. مالکیت خصوصی

مفهوم مالکیت خصوصی همواره محل بحث دیدگاه‌های گوناگونی در علوم اقتصاد، سیاست و حقوق بوده است و هر یک از اندیشمندان این علوم، به تناسب ماهیت علم و اوصاف مکتبی که به آن وفادار هستند، تعاریف خود را ابراز داشته‌اند. به عقیده فریدریش هایک^۱، مالکیت خصوصی در کنار آزادی جزو پایه‌های بنیادین شکل‌گیری نخستین تمدن انسان‌های آزاد است (Hayek: 2013, 166). لودویگ فون میزس^۲، مالکیت خصوصی را فراهم‌کننده یک سپهر حکومت‌زده برای فرد می‌داند که دامنه اثرگذاری حاکمیت را محدود و اجازه می‌دهد قدرت‌های دیگری پیرامون و حتی در برابر قدرت سیاسی شکل بگیرند؛ مالکیت خصوصی یک اساس برای هرگونه فعالیت زیستی به دور از اعمال نفوذ حکومت و قدرت سیاسی است و شالوده تکامل فرد تلقی می‌شود (فون میزس، ۱۴۰۱، ۱۱۷).

1. Friedrich Hayek

2. Ludwig Von Mises

مالکیت خصوصی، رابطه‌ای است اختصاصی بین فرد با مال که منع دیگران را از انتفاع موجب می‌شود، یا به شکلی است که مداخله دیگران را جز در صورت ضرورت و موارد استثنایی، در آن مال محدود می‌کند (پندار، ۱۳۹۷، ۱). به اعتقاد برخی حقوقدانان، زمانی از حق مالکیت سخن می‌رود مقصود کامل‌ترین نوع حقوق عینی است؛ حق عینی، حقی است که فرد مستقیماً و بدون واسطه نسبت به چیزی پیدا می‌کند و می‌تواند از آن استفاده کند (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۱۴). براین اساس در حق مالکیت دو عنصر کلیدی نقش دارند؛ یکی مالک و دیگری شی‌ی مادی اعم از منقول و غیرمنقول (بادینی و دیگران، ۱۳۸۹، ۴-۵). مالکیت در ابتدا مختص امور عینی خارجی بوده است و بعدها امور اعتباری نیز چنین عنوانی را پیدا کردند (ولویون، ۱۳۹۸، ۴۵۲) چنانچه امروزه حق بر مالکیت معنوی و فکری نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

«حق احترام به مالکیت خصوصی جایگاه مهمی در سنت غربی و در اعلامیه‌های معروف حقوق بشر قرن‌های هفدهم و هجدهم دارد. به دلیل اختلاف نظر در مورد اهمیت این حق بین دولت‌های غربی از یک سو و دولت‌های سوسیالیستی و حتی در حال توسعه از سوی دیگر، تأیید این حق در حقوق بین‌الملل بشر بحث‌برانگیز بوده است» (Mazzeschi: 2021, 437) با این حال اکنون، حق بر مالکیت به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر در نظام بین‌الملل معاصر شناخته می‌شود؛ ماده ۱۷ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۱، هر فرد را دارای حق بر مالکیت می‌داند و طبق آن هیچ‌کسی را نمی‌توان خودسرانه از مالکیت خود محروم نمود. ماده ۲۱ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»^۲ نیز تمام افراد را دارای حق انتفاع و استفاده از اموال خود می‌داند و تنها زمانی سلب مالکیت را قانونی می‌داند که با پرداخت غرامت عادلانه و وجود نفع عمومی و اجتماعی همراه بوده و قوانین ملی نیز چنین اجازه‌ای را بدهد. در دین مبین اسلام نیز به حق بر مالکیت خصوصی اشاره شده است از جمله آیه ۷ سوره حدید قرآن کریم بیانگر این است که انسان در مالکیت جانشین خداوند است. همچنین در سوره نساء و بقره به مواردی مانند ارث، مهریه، وصیت و غصب اشاره شده است که جملگی مبین شناسایی حق بر مالکیت خصوصی در دین اسلام است.

1. The Universal Declaration of Human Rights

2. American Convention on Human Rights: "Pact of San José"

قوانین و مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت این حق را مورد شناسایی قرار داده‌اند. از جمله اصل ۲۲ قانون اساسی که اموال متعلق به اشخاص را از تعرض مصون دانسته است. از منظر جانمایی کشورها نیز در رابطه با مالکیت خصوصی این نکته حائز اهمیت است که در صورت جانمایی کشورها، مالکیت خصوصی افراد تبعه آن کشور و حتی اتباع خارجی به جزء موارد استثنایی محترم شمرده می‌شود. در اثر جانمایی، اموال دولتی به کشور جانمیشین منتقل می‌شود و اموال خصوصی نزد مالکانشان محفوظ می‌مانند مگر اینکه در مواردی خاص مصادره شده و به مالک آن چنانچه تبعه خارجی باشد، غرامت پرداخت می‌گردد.

حق بر مالکیت، بخشی از آزادی فردی و استقلال اقتصادی اشخاص را در جوامع مختلف تأمین می‌کند. این حق همچنان در حال تکامل حقوقی است و دامنه آن از طریق نظریات حقوقی و رویه قضایی در حال بررسی و توسعه است (Loucaides, 2004, 677). شعبه دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی در رأی پرونده الحسن، حق مالکیت خصوصی را جزو حقوق بنیادینی می‌داند که نقض گسترده آن می‌تواند موجب تحقق جنایت علیه بشریت شود (ICC: 2024, para.1201).

۲/۱. اشغال نظامی

اشغال نظامی عملی است که برخلاف حقوق بین‌الملل انجام می‌شود و معمولاً پس از تجاوز علیه تمامیت ارضی یک کشور رخ می‌دهد. البته باید توجه کرد، هرگونه تجاوز ارضی لزوماً به اشغال منجر نمی‌شود. اصل ممنوعیت اشغال در چارچوب حقوق توسل به زور مورد بررسی است. این ممنوعیت را می‌توان از منشور ملل متحد، قطعنامه‌های تعریف تجاوز و همچنین تصمیمات شورای امنیت در محکومیت موارد تجاوز استنباط کرد. اشغال نظامی نه تنها نقض قواعد عرفی بین‌المللی، بلکه نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. با این وجود، در صورت وقوع اشغال، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقررات خاصی را برای تنظیم رفتار طرف‌های درگیر وضع کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰، ۲۶۶-۲۶۷).

از مؤلفه‌های متعددی در تعریف و تبیین مفهوم اشغال به عنوان یک وضعیت استثنائی در حقوق بین‌الملل استفاده می‌شود (Lieblich & Benvenisti: 2022,9)؛ در کنوانسیون‌های لاهه که برای اولین بار حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مخاصمات مسلحانه را تدوین کرده‌اند، تعاریفی از اشغال رسمیت یافت؛ به عنوان مثال ماده ۴۲ کنوانسیون چهارم لاهه (۱۹۰۷) (در ادامه برای اختصار، کنوانسیون لاهه) در تعریف اشغال بیان می‌دارد: «زمانی سرزمینی اشغالی محسوب می‌شود که به طور واقعی تحت حاکمیت نیروی نظامی متخاصم قرار گرفته باشد» (Hague Convention IV, Article 42). در تعریفی از منظر «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»^۱، اشغال زمانی اتفاق می‌افتد که یک دولت کنترل مؤثر و بدون رضایت بر یک سرزمین اعمال کند (ICRC (a)). در تعریف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز به ماده ۴۲ کنوانسیون چهارم لاهه اشاره شده است. این‌ها هم معتقد است: «حتی ذره‌ای از حاکمیت در اختیار نیروی اشغالگر وجود ندارد». این مطلب تأییدکننده قاعده آمره حقوق بین‌الملل مبنی بر ممنوعیت کسب سرزمین از طریق تهدید یا توسل به زور است (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۲۶۸).

دو مفهوم در اشغال برجسته هستند؛ یکی «سرزمین اشغالی»^۲ و دوم «قدرت اشغالگر»^۳؛ سرزمین اشغالی، سرزمینی است که عملاً تحت حاکمیت ارتش دشمن است. قدرت اشغالگر، دولتی است که در خلال مخاصمه مسلحانه بین‌المللی به سرزمین متعلق به دولت دیگر حمله کند و آن سرزمین را به صورت عملی تحت کنترل خود قرار بدهد (وری، ۱۳۹۱، ۹۴). کنترلی که می‌بایست مؤثر باشد و حاکمیت واقعی را القا کند. به عبارت دیگر، تحت حاکمیت واقعی قرارداشتن، مستلزم کنترل مؤثر از جانب نیروی اشغالگر است. کنترل مؤثر به معنای توانایی نیروهای نظامی بیگانه در اعمال اقتدار و حاکمیت بر یک سرزمین اشغالی است. برای تحقق این وضعیت، سه شرط اساسی باید فراهم گردد: نخست، قدرت اشغالگر باید دولت قانونی را، ناتوان در اعمال حاکمیت بر سرزمین تحت

1. International Committee of the Red Cross (ICRC)

2. Occupied Territory

3. Occupying Power

اشغال تلقی کند؛ دوم، این قدرت باید خود را جایگزین حاکمیت مشروع آن سرزمین بداند؛ و سوم، اعمال این حاکمیت باید بدون رضایت دولت قانونی صورت پذیرد؛ بنابراین، چنانچه دولت قانونی به صورت مؤثر و معتبر به حضور نیروهای خارجی رضایت دهد، وضعیت اشغال محقق نخواهد شد و اعمال مقررات مربوط به حقوق اشغال موضوعیت نخواهد داشت. البته، این امکان وجود دارد که قدرت اشغالگر در بخشی از سرزمین اشغالی به کنترل مؤثر خود خاتمه دهد و در چنین شرایطی، اشغال در آن بخش پایان می‌یابد، درحالی‌که ممکن است در سایر مناطق تحت اشغال، وضعیت اشغال همچنان استمرار یابد (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۲۶۷).

قواعد زیادی پیرامون حقوق و تکالیف نیروهای اشغالگر وجود دارد که به طور کلی الزاماتی را در خصوص اتخاذ تدابیر برای تضمین نظم عمومی و حیات جامعه در بهترین شکل ممکن معین می‌سازد (وری، ۱۳۹۱، ۹۴). بر اساس این قواعد، معیاری دیگر برای احراز وضعیت اشغال به وجود می‌آید و آن وجود توانایی واقعی است؛ منظور از توانایی واقعی، توانایی بالفعل دولت اشغالگر برای به‌عهده‌گرفتن وظایف اداری و اجرایی است که سابقاً برعهده دولت قانونی بوده است؛ از جمله تضمین امنیت عمومی، حاکمیت قانون و نظم. در اینجا تمایل یا عدم تمایل قدرت اشغالگر برای انجام این وظایف معیاری تعیین‌کننده برای انجام تعهداتش در دوران اشغال ناست؛ یعنی اینکه قدرت اشغالگر بخواهد یا نخواهد به تعهداتش عمل کند، فاقد اهمیت است تا زمانی که از نظر نظامی بر منطقه مسلط است. قدرت اشغالگر در این حالت، حتی اگر کنترل مؤثری اعمال نکند، باز هم نمی‌تواند از مسئولیت‌هایش طبق حقوق بین‌الملل فرار کند. از سویی دیگر اعمال کنترل مؤثر برای اجرای تعهدات، لزوماً نباید از طریق نیروهای مسلح دولت اشغالگر باشد بلکه می‌تواند از طریق مقامات محلی سرزمین اشغالی صورت بگیرد (Melzer: 2016, 60).^۱

^۱ رویکردهای متفاوتی نسبت به اشغال وجود دارد. بر اساس یک رویکرد، حقوق اشغال به اشغالگران اجازه می‌دهد که تغییرات ساختاری عمیقی را در قلمرو اشغال ایجاد کنند که در زمان اشغال عراق توسط آمریکا رخ داد و اشغالگران به طور

۲. تعریف مالکیت خصوصی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل در موارد مختلفی به مالکیت خصوصی اشاره دارد اما تعریف دقیقی از آن ارائه نکرده است و حقوق داخلی کشورها به این تعریف پرداخته‌اند که هر یک تعریف مختص خود را ارائه نموده‌اند. مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تعریف روشنی از «مالکیت» ارائه نمی‌دهند و ابهاماتی در این زمینه وجود دارد، از جمله اینکه آیا تعهدات یک قدرت اشغالگر بر اساس مفاهیم حقوق داخلی قابل تغییر است؟ در سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بشر و حقوق سرمایه‌گذاری، مالکیت به‌عنوان یک مفهوم مستقل در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد می‌تواند الگویی برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد، اما چالش‌هایی نیز دارد، زیرا تعریف مالکیت در نظام‌های حقوقی مختلف یکسان نیست. برای مثال در نظام کامن‌لا، دامنه مالکیت گسترده‌تر است و شامل مواردی مانند مالکیت طلبکار بر بدهی یا حق بهره‌برداری از منابع طبیعی (حتی پیش از استخراج) نیز می‌شود. در مقابل، در نظام‌های حقوق نوشته، مرز بین حقوق عینی (مانند مالکیت فیزیکی) و حقوق دینی (مانند حق دریافت طلب) در حال محو شدن است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که برای تعریف مالکیت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، باید به دنبال رویکردی جامع و کاربردی بود، مشابه آنچه «دیوان اروپایی حقوق بشر»^۱ در پرونده‌های مربوط به حقوق مالکیت اتخاذ کرده است. این دیوان، مالکیت را مفهومی فراتر از اموال مادی دانسته و مواردی مانند سهام، حق اختراع، حکم داور، مستمری، حق اجاره‌بها، منافع اقتصادی ناشی از کسب‌وکار، حق اشتغال، انتظارات مشروع حقوقی و حتی حقوق مشتریان یک سینما را هم در نظر می‌گیرد. «دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر»^۲ و محاکم حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری نیز از این رویکرد پیروی می‌کنند. باین‌حال، حتی اگر یک ادعا تحت عنوان «مالکیت» شناخته نشود، قدرت اشغالگر

گسترده‌ای نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در عراق تغییر دادند. در مقابل دیدگاهی وجود دارد که اشغال را یک پدیده موقت دانسته و بر حفظ وضعیت موجود تأکید دارد (Fox: 2010, 252).

1. European Court of Human Rights

2. Inter-American Court of Human Rights

همچنان موظف به رعایت قوانین داخلی سرزمین اشغالی است، مگر در موارد استثنایی (Sassòli: 2024, 358-359).

۳. حمایت از اموال خصوصی در مناطق اشغالی و الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای قدرت اشغالگر

ریشه‌های تعهد دولت اشغالگر به حفاظت از مالکیت خصوصی به نخستین مقررات مدون حقوق جنگ در اواخر قرن نوزدهم همچون «کد لیبر»^۱، «اعلامیه بروکسل»^۲ و «دستورالعمل آکسفورد»^۳ باز می‌گردد (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 179). در کد لیبر تصریح شده است، همگام با پیشرفت تمدن، تمایز میان اشخاص خصوصی و نیروهای مسلح یک کشور متخاصم افزایش یافته است و تا جایی که ضرورت‌های نظامی اجازه می‌دهد جان، مال و حیثیت آنان مصون می‌ماند (Lieber Code: 1863, Article 22)؛ بر اساس این قانون، نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا موظف به رعایت حقوق افراد در مناطق اشغالی از جمله مالکیت خصوصی شدند. مصادره و توقیف اموال خصوصی منع می‌شود مگر در مواردی که به دلیل جرایم یا تخلفات مالکان مصادره شده باشد یا در صورت ضرورت نظامی و برای تأمین نیازهای ارتش یا منافع ایالات متحده قابل توقیف باشد (Lieber Code: 1863, Articles 37-38). اعلامیه بروکسل نیز مصادره اموال خصوصی افراد در مناطق اشغالی را ممنوع می‌کند (Declaration of Brussels: 1847, Article 38). دستورالعمل آکسفورد نیز مقرر می‌دارد، «اموال خصوصی، اعم از آنکه متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد، باید محترم شمرده شود و تنها در چارچوب محدودیت‌های مندرج در مواد بعدی قابل مصادره است» (Oxford Manual: 1880, Article 54). مقررات نام‌برده به

۱. کد لیبر یا "Lieber Code" مجموعه قوانینی رفتاری بود که در طول جنگ داخلی آمریکا بود که برای سربازان اتحادیه مدون شد تا ملاحظاتی را در نبرد با مؤتلفه رعایت نمایند. این مقررات که در سال ۱۸۶۳ تدوین شد، جزو اولین مقررات مدون حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود.

۲. اعلامیه بروکسل، سندی بود که در سال ۱۸۷۴ در کنفرانسی که با پیشنهاد تزار الکساندر دوم برگزار شد، تدوین گردید و مشتمل بر برخی قواعد و عرف‌های جنگ بود.

۳. دستورالعمل آکسفورد توسط گوستاو موبنیر تهیه و توسط موسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۸۰ تصویب شد.

منع غارت نیز اشاره می‌کنند. اکنون مهم‌ترین اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا در زمینه نظام حقوقی اشغال و حمایت از مالکیت و اموال خصوصی در سرزمین اشغالی، کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷) و کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) هستند.

اصطلاح «کنوانسیون‌های لاهه» به معاهدات و اعلامیه‌هایی اشاره دارد که دو کنفرانس بین‌المللی صلح در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در لاهه تصویب شده‌اند. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه درباره حفاظت از اموال فرهنگی در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه نیز به این اسناد ملحق می‌شود. قواعد ناشی از این کنوانسیون‌ها - که تحت عنوان «حقوق لاهه» شناخته می‌شوند - ناظر بر استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی، نحوه انجام مخاصمات و نظام اشغال هستند. این در حالی است که «حقوق ژنو» عمدتاً بر حمایت از قربانیان جنگ و اشخاص حفاظت شده تمرکز دارد (Kolb & Hyde: 2008, 40-41). کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها هسته اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشکیل می‌دهند؛ موضوع کنوانسیون چهارم ژنو حفاظت از اشخاص غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و همچنین مسائل مرتبط با اشغال است و بسیاری از مقررات آن اصول حقوق بشر را نیز بازتاب می‌دهند (Solis: 2010, 25). هم کنوانسیون لاهه و هم کنوانسیون چهارم ژنو بر حمایت از مالکیت خصوصی در زمان اشغال تأکید دارند و همگی منع غارت، مصادره غیرقانونی و تخریب علیه اموال خصوصی را مورد اشاره قرار داده‌اند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو توسط ۱۹۶ کشور جهان مورد پذیرش قرار گرفته است و این نشانگر وجود یک اجماع بین‌المللی نسبت به مقررات آن‌هاست که حمایت از مالکیت و اموال خصوصی در زمان اشغال را هم شامل است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز مطالعاتی را پیرامون قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه انجام داده است و نتیجه آن در قالب کتابی با عنوان «مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی»^۱ (در ادامه مجموعه قوانین عرفی) به رشته تحریر درآمده است. تدوین این مجموعه، بر اساس رویه دولت‌ها، معاهدات و رویه قضایی بین‌المللی

1. Customary International Humanitarian Law

صورت گرفته است که مبانی الزام‌آوری آن‌ها را به عنوان قواعد عرفی نشان می‌دهد. از جمله قواعد شناسایی شده، تعهدات قدرت اشغالگر در حفاظت از مالکیت و اموال خصوصی است. مجموعه قوانین و تعهدات بین‌المللی فوق که عمدتاً در مقررات لاهه یافت می‌شوند، تمایز دقیقی بین اموال خصوصی و عمومی قائل می‌شوند که مطابق با نظام لیبرالی حاکم بر جهان غرب در زمان تصویب آن‌ها، حدود سال ۱۹۰۰ است؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه حمایت بیشتری از مالکیت خصوصی نسبت به مالکیت عمومی به عمل می‌آورد (Sassòli : 2024, 356).

۳/۱. منع تخریب

«تخریب»^۱ به معنای نابود ساختن تولیدات صنعتی، تأسیسات و تجهیزات یا مختل کردن آن‌ها در راستای اهداف تهاجمی و دفاعی در زمان اجرای عملیات نظامی است (وری، ۱۳۹۱، ۵۰). براساس ماده ۵۳ کنوانسیون ژنو، «هر گونه تخریب اموال غیرمنقول یا شخصی که به طور جداگانه یا جمعی به اشخاص خصوصی یا دولت یا سایر مقامات دولتی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی تعلق دارد توسط دولت اشغالگر ممنوع است، مگر در مواردی که این تخریب توسط عملیات نظامی کاملاً ضروری باشد» (Geneva Convention IV : 1949, Article 53). قواعد شماره ۵۰ و ۵۱ مجموعه قواعد عرفی نیز تخریب اموال خصوصی را ممنوع و در صورت وجود ضرورت نظامی انجام آن را مجاز می‌دانند. براساس تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مقصود از عملیات نظامی، «حرکات، مانورها و سایر اقدامات انجام شده توسط نیروهای مسلح با هدف جنگ» است. در نتیجه تخریب اموال تا جایی که برای این موارد ضرورت دارد، فاقد مسئولیت بین‌المللی دولت اشغالگر است (Melzer : 2016, 244).

«حقوق بین‌الملل بشردوستانه مصالحه‌ای میان انسانیت و ضرورت‌های نظامی است، مصالحه‌ای که همیشه نمی‌تواند خواسته‌های بشردوستانه را برآورده کند، اما مزیت بزرگی دارد که توسط کشورها به عنوان قانونی پذیرفته شده که حتی در جنگ نیز قابل احترام است» (Solis : 2010, 258). دادگاه نظامی آمریکا در پرونده موسوم به پرونده گروگان‌ها

¹. Destruction

(مربوط به جنگ جهانی دوم)، ضرورت نظامی در چارچوب دوران اشغال را اصلی می‌داند که به جنگجویان اجازه می‌دهد با کم‌ترین هزینه به لحاظ زمانی، مالی و جانی، دشمن را به تسلیم کامل وادار کنند. این اصل، اقدامات ضروری اشغالگر برای امنیت نیروها و پیشبرد عملیات را مجاز می‌شمارد. دادگاه در مواجهه با ادعای متهمان مبنی بر توجیه قتل عام غیرنظامیان و تخریب گسترده روستاها و شهرها در اراضی اشغالی اعلام می‌کند که قتل غیرنظامیان تحت هیچ شرایطی مجاز نیست و تخریب اموال تنها در صورت وجود ضرورت نظامی قانونی است؛ در نتیجه میان نابودی اموال و شکست نیروهای دشمن باید ارتباطی معقول وجود داشته باشد (American Military Tribunal (a): 1948, 1253-1254). در نتیجه تخریب خانه‌ها و یا راه‌های ارتباطی که متعلق به اشخاص خصوصی است، در صورتی که برای غلبه بر دشمن ضروری باشند، مجاز است.

همان‌طور که ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو اشاره می‌کند اقدامات تنبیهی علیه اموال و مالکیت خصوصی ممنوع است (Geneva Convention IV: 1949, Article 33) و تخریب اموالی که با این نیت صورت می‌گیرد، فاقد ضرورت نظامی است. تخریب چه به صورت محدود و چه به شکل فاحش و گسترده اتفاق بیفتد، نقض حقوق بشردوستانه است. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در رای پرونده تیهمیر بلاشکیچ، تخریب فاحش را دارای سه ویژگی گسترده‌گی، غیرقانونی بودن و خودسرانه بودن دانسته است. گسترده‌گی بسته به حقایق هر پرونده ارزیابی می‌شود و چه بسا تخریب تنها یک مکان مورد حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تخریب فاحش باشد (ICTY: 2000, para.157).

موادی در هر یک از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ذکر شده است که بر اساس آن، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند نسبت به وضع قوانین لازم برای مجازات نقض فاحش کنوانسیون‌ها اقدام کنند و همچنین افراد مرتکب این نقض‌ها را مورد پیگرد کیفری قرار بدهند. در کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۴۶ به این موضوع اشاره کرده است (Geneva Convention IV: 1949, Article 146)؛ ماده ۱۴۷ کنوانسیون، تصاحب و تخریب گسترده اموال تحت حمایت کنوانسیون (از جمله اموال خصوصی) بدون توجیه نظامی را جزو نقض‌های فاحش قلمداد کرده است (Geneva Convention IV: 1949, Article 147).

بنابراین، چنانچه تخریب و تصاحب گسترده اموال خصوصی عامدانه و بدون ضرورت نظامی باشد، در کنار تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت اشغالگر، موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی برای مترکبان نیز است. اساسنامه رم نیز تخریب اموال بدون ضرورت نظامی را جزو جرایم تحت رسیدگی دیوان شناسایی کرده است (Rome Statue: 1998, Article 8(2)).

تخریب اموال و دارایی‌های خصوصی، تنها از طریق کاربرد بمب، مواد منفجره و سایر سلاح‌های جنگی اتفاق نمی‌افتد هرچند رایج‌ترین روش برای نابودی است. استفاده از تجهیزات مکانیکی همچون بولدوزر و جرثقیل برای تخریب خانه‌ها، مزارع و باغ‌ها روش دیگری برای تخریب است که در اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، قابل ملاحظه است. ایجاد حریق، قطع منابع حیاتی آب و برق که به محصولات و تولیدات کشاورزی آسیب می‌زند و سم‌پاشی نیز مصادیق دیگری از روش‌های تخریب اموال خصوصی به حساب می‌آیند که برخی از آن‌ها در گزارش سال ۲۰۲۰ گزارشگر شورای حقوق بشر برای سرزمین‌های اشغالی فلسطین مورد اشاره قرار گرفته است (A/HRC/44/60). دیوان کیفری بین‌المللی در رأی پرونده کاتانگا، ارتکاب تخریب را مشروط به انهدام کامل مال نمی‌داند. براین اساس اگر یک مال به‌شدت آسیب ببیند، به عنوان یک تخریب جزئی می‌تواند مصداقی از تخریب باشد (ICC: 2014, para.890).

۲/۳. منع مصادره و تصرف دائم

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقصود از «مصادره»^۱ تصاحب اموال دشمن از سوی دولت اشغالگر بدون الزام به پرداخت غرامت است (ICRC (b)). اصطلاحات دیگری همچون «توقیف»^۲ (ماده ۵۳ کنوانسیون لاهه و قواعد شماره ۵۰ و ۵۱ مجموعه قواعد عرفی) و «مطالبه»^۳ (ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه و ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو) و «تصاحب اموال»^۴ نیز استعمال می‌شوند. تصاحب اموال به لحاظ دامنه گسترده، اشکال مختلف تصرف را در بر دارد. اصطلاحات مصادره، توقیف و مطالبه تقریباً مترادف به نظر

1. Confiscation

2. Seizure

3. Requisition

4. Appropriation of Property

می‌آیند با این حال در استعمال آن‌ها تفاوت‌هایی قابل ملاحظه است؛ برای این اساس در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مصادره اموال خصوصی منع شده اما توقیف و مطالبه در مواردی استثنائی قانونی عنوان شده است. مصادره، تصاحب دائمی اموال خصوصی محسوب می‌شود. در مقابل مقصود از مطالبه، نوعی تملک موقت است (Kretzmer: 2002, 77). در مواردی که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توقیف اموال توسط نیروهای اشغالگر را مجاز می‌شمرد، این استثناء به معنای تملک دائم نبوده و تنها تصرف موقت محسوب می‌گردد. ماده ۴۶ کنوانسیون لاهه، همان ماده ۳۸ اعلامیه بروکسل است؛ براساس ماده ۴۶ کنوانسیون لاهه، «حیثیت خانوادگی و حقوق افراد، جان اشخاص و مالکیت خصوصی و همچنین باورها و اعمال مذهبی آنان باید محترم شمرده شود. مالکیت خصوصی قابل مصادره نیست» (Hague Convention: 1907, Articles 46). چنانچه در ادامه صحبت خواهد شد، هر چند قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مصادره دائمی اموال عمومی منقول و انتفاع از اموال غیر منقول را مجاز دانسته‌اند اما این عمل براساس ماده ۴۶ نسبت به مالکیت و اموال خصوصی ممنوع است و فرقی نسبت به مال منقول یا غیر منقول خصوصی وجود ندارد. این‌ها در تفسیر این ماده می‌گوید: «اموال غیر منقول خصوصی دشمن تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند توسط دولت مهاجم متخاصم تملک شود. اگر اشغالگر زمین‌ها یا ساختمان‌های خصوصی را مصادره و بفروشد، خریدار هیچ حقی نسبت به این اموال کسب نخواهد کرد... اگر اشغالگر اموال خصوصی یا عمومی را که به طور مشروع قابل تملک توسط نیروی نظامی اشغالگر نیست تصاحب و فروخته باشد، این اموال بعداً می‌توانند از خریدار بدون پرداخت غرامت مطالبه شوند. همین قاعده در مورد اموال منقولی که شامل مواد جنگی نمی‌شوند نیز اعمال می‌گردد» (Loucaides: 2004, 679). در نتیجه اموال خصوصی تحت هیچ شرایطی نباید از سوی نیروهای نظامی اشغالگر مصادره و سلب مالکیت شوند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده لویزیدو علیه ترکیه اذعان می‌دارد که ممانعت دائمی برای دسترسی مالک به زمین نیز به معنای ازدست‌دادن حق بهره‌مندی مؤثر از مال است. از این رو چارچوب حفاظت از مالکیت خصوصی صرفاً سلب کردن مالکیت و انتقال آن نیست (ECtHR: 1996, para.63). بر اساس رأی دادگاه نظامی آمریکا در دادرسی کارل

کراخ و دیگران نیز حتی پرداخت پول در ازای تصاحب مال در حالی که برخلاف میل مالک است، غیرقانونی بودن تصرف را زائل نخواهد کرد (American Military Tribunal (b): 1948, (44).

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در مواردی، اقداماتی را تحت عنوان توقیف، تصرف و استفاده از اموال خصوصی مجاز می‌داند. بند دوم ماده ۵۳ کنوانسیون لاهه توقیف وسایل حمل و نقل و ارتباطی، انبارهای اسلحه و مهمات جنگی متعلق به اشخاص خصوصی را ممکن می‌داند اما پرداخت غرامت و استرداد آن‌ها در زمان صلح را نیز شرط کرده است (Hague Convention: 1907, Article 53). مفاد کنوانسیون لاهه بدون ابهام است؛ اگر در نتیجه یک عملیات نظامی، قلمرو دشمن اشغال شود نیروی اشغالگر حق تصرف در اموال را ندارد مگر به موجب قوانین سخت‌گیرانه‌ای که در کنوانسیون مقرر شده است (Dinstein: 2009, 210). بر اساس قاعده شماره ۵۰ مجموعه قوانین عرفی، توقیف اموال طرف مقابل ممنوع است، مگر در مواردی که ضرورت مطلق نظامی ایجاب کند. (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 175). طبق قاعده شماره ۵۱، اموال خصوصی در مناطق اشغالی باید محترم شمرده شوند و مصادره آنها ممنوع است، مگر در مواردی که توقیف این اموال به دلیل ضرورت مطلق نظامی اجتناب‌ناپذیر باشد (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 178). این توقیف‌ها، موجب انتقال مالکیت نیست؛ دستورالعمل نظامی استرالیا، در این رابطه مقرر می‌کند، اگرچه این اموال خصوصی قابلیت توقیف توسط قدرت اشغالگر را دارند اما موجب انتقال مالکیت از مالک به قدرت اشغالگر نمی‌شود (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 180). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر قواعد شماره ۵۰ و ۵۱، تنها به اموال خصوصی ماده ۵۳ کنوانسیون لاهه اشاره دارد. به نظر می‌آید در حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی تنها آن دسته از اموال خصوصی که به صورت عملی برای فعالیت‌ها و نیازهای نظامی کاربرد دارند، قابل توقیف هستند. شعبه دادرسی بدوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در پرونده توتا و دیگران اظهار می‌دارد که نیروهای اشغالگر، در مواردی خاص، این حق را دارند که مالکیت خصوصی در سرزمین اشغالی را تابع نیازهای نظامی خود قرار بدهند؛ از جمله توقیف اشیایی که آشکارا به انجام عملیات نظامی مرتبط هستند (ICTY: 2003, para.616). لازم به ذکر است هرچند مجموعه قواعد عرفی به لزوم پرداخت غرامت و استرداد مال خصوصی در زمان صلح اشاره

ندارند، اما این قواعد باید در کنار ماده ۵۳ کنوانسیون لاهه در نظر گرفته شوند و در نتیجه هر گونه توقیفی، موقت و پرداخت غرامت نیز محفوظ است.

اصطلاح مطالبه نیز در ارتباط با اخذ کمک‌های غیرنقدی، خدمات و اقلام غذایی و پزشکی به کار رفته است. مطابق ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه، مطالبات عینی یا غیرنقدی و خدمات از شهرداری‌ها یا ساکنان تنها در صورتی قابل درخواست است که برای تأمین نیازهای ارتش اشغالگر ضروری باشد. این مطالبات باید با منابع کشور تناسب داشته و نباید به گونه‌ای باشد که ساکنان را وادار به مشارکت در عملیات نظامی علیه کشور خود کند (Hague Convention: 1907, Article 52). این ماده به منظور محدود کردن سوءاستفاده از منابع، اموال خصوصی و نیروی انسانی سرزمین اشغالی توسط ارتش اشغالگر وضع شده است. مقصود اصلی آن، حفاظت از حقوق ساکنان محلی و جلوگیری از بهره‌کشی غیرقانونی از منابع و افراد در مناطق تحت اشغال است.

بر اساس ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت اشغالگر تنها در صورتی که نیازهای مردم مناطق اشغالی در حوزه امنیت غذایی و سلامت را لحاظ کند، می‌تواند مواد غذایی، اقلام یا لوازم پزشکی موجود در سرزمین اشغالی را مطالبه کند. چنانچه اقلام موجود جزو دارایی و اموال خصوصی مردم باشد، تحت حمایت‌های مرتبط با مالکیت خصوصی نیز قرار می‌گیرند (Geneva Convention IV: 1949, Article 55). بنابراین مطالبه مختص نیازهای فوری نظامی است که تأمین غذا، سرپناه یا تجهیزات برای نیروهای خود شامل آن است. در نتیجه، دریافت کمک‌ها و اقلام مذکور و بهره‌برداری اقتصادی یا تجارت آن‌ها از طریق صادرات و خرید و فروش با نیت‌های سودجویانه ممنوع است زیرا از چارچوب نیازهای نظامی خارج است. براساس رای پرونده توتا و دیگران، مطالبه یک آپارتمان و تبدیل آن به یک ستاد نظامی در منطقه اشغالی، می‌تواند مصداق کمک غیرنقدی از سوی مردم برای تأمین نیازهای نظامی اشغالگران شناخته شود (ICTY: 2003, para.623). اقداماتی که مختص تصرفات دائمی است نمی‌تواند نسبت به اموال خصوصی مطالبه شده صورت بگیرد. به عنوان مثال، تملک زمین و ساخت شهرک، هم به دور از ضرورت‌های نظامی است و هم خلاف اصل موقتی بودن تصرفات است و این اقدامات مصادره دائم محسوب می‌شوند (Kretzmer: 2002, 77).

بر اساس ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه، هرگونه مطالبه برای اقلام یا خدمات باید با تأیید فرمانده محل اشغال انجام شود تا از سوءاستفاده‌های خودسرانه توسط نیروهای پایین‌رتبه جلوگیری شود. براساس ماده ۵۲، هرگونه برداشت از اموال خصوصی (مانند محصولات کشاورزی، دام یا مصالح ساختمانی) باید متناسب با منابع موجود باشد. این امر از غارت یا تخریب اقتصادی سرزمین اشغالی جلوگیری می‌کند. ماده ۵۲ صراحتاً بر لزوم پرداخت نقدی یا ارائه رسید برای اقلام عینی تأکید دارد. این امر به معنای به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی و لزوم جبران خسارت به مالکان است. اگر اموال خصوصی بدون جبران گرفته شود، این اقدام مصادره غیرقانونی تلقی شده و نقض حقوق بین‌الملل است. ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه و ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو هر دو به تنظیم مطالبات ارتش اشغالگر از منابع محلی می‌پردازند، اما اهداف و اولویت‌های متفاوتی قابل استنباط است. ماده ۵۵ ژنو با تمرکز بر رفاه غیرنظامیان و محدود کردن مصادره اقلام غذایی و پزشکی به نفع جمعیت محلی، رویکردی انسان‌محورتر دارد. در مقابل، ماده ۵۲ لاهه بیشتر بر نیازهای ارتش اشغالگر و حفاظت از مالکیت خصوصی از طریق جبران خسارت تمرکز دارد. اقلام مندرج در ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو، مصداق کمک‌های غیرنقدی (عینی) مطابق ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه محسوب می‌شوند. هرچند ماده ۵۵ کنوانسیون ژنو به صراحت به ضرورت تأیید یا دستور فرمانده در مورد اقلام پزشکی و غذایی اشاره نکرده است، اما با توجه به اینکه ماده ۵۲ کنوانسیون لاهه نسخ نشده است، اعمال مقررات آن از جمله اخذ دستور فرمانده برای ارسال کمک‌های مذکور در ماده ۵۵ کنوانسیون ژنو نیز الزامی است.

عدم رعایت محدودیت‌های قانونی مورد اشاره در تصاحب اموال خصوصی موجب مسئولیت بین‌المللی دولت یا در مواردی مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در فلسطین اشغالی، ساخت دیوار را موجب مصادره و سلب مالکیت اموال غیرمنقول غیرنظامیان از جمله زمین‌ها و باغ‌های میوه و زیتون دانست. دیوان در این نظریه اعلام می‌کند که اسرائیل موظف به جبران اقدامات خسارت‌بار خود از طریق اعاده وضعیت به حالت سابق، پرداخت غرامت، بازگرداندن دارایی‌ها و اموال مصادره شده و توقیف شده و همچنین احضار و پیگرد قضایی افرادی که مرتکب این اعمال غیرقانونی شده‌اند است (ICJ: 2004).

145. para). دیوان در جای دیگر به طور خاص اشاره می‌کند، اسرائیل باید زمین‌ها، باغ‌ها و سایر اموال غیرمنقول مصادره شده از هر شخص حقیقی یا حقوقی را که به منظور ساخت دیوار در فلسطین اشغالی تصرف شده است، بازگرداند. در صورتی که چنین اعاده‌ای از نظر مادی غیرممکن باشد، اسرائیل موظف است خسارات وارده به افراد مورد نظر را جبران کند (ICJ: 2004, para.153). اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در ماده دوم خود، تصاحب گسترده اموال بدون ضرورت نظامی را جزو نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جنایات جنگی معرفی کرده است. اساسنامه رم نیز توقیف غیرضرور اموال اتباع دشمن را جزو جنایات جنگی برشمرده است (Rome Statue: 1998, Article 8(2)).

در پایان لازم به ذکر است، ماده ۹۷ کنوانسیون چهارم ژنو درباره اموال افرادی که بازداشت می‌شوند نیز مقرر می‌دارد، ضبط اموال ایشان باید با نگارش رسید دقیق صورت بگیرد و مبالغی که از ایشان ضبط می‌شود باید به حسابشان وازیر گردد. تبدیل مبالغ ایشان به ارز تنها با اجازه قوانین سرزمینی یا رضایت فرد بازداشت شده، صورت می‌گیرد. هنگامی که بازداشت شدگان آزاد می‌شوند، کلیه اموال و اشیاء گرفته شده، باید مسترد گردند. در طول بازداشت، فرد بازداشت شده می‌تواند مقدار معینی پول با خود داشته باشد (Geneva Convention IV: 1949, Article 97).

قدرت اشغالگر همان‌طور که نمی‌تواند مالکیت اموال ساکنان سرزمین اشغالی را به خود منتقل کند، در روابط خصوصی ساکنان نیز حق دخالت ندارد و نمی‌تواند برای مثال، خودسرانه مقرراتی را تصویب کند که مستلزم انتقال ثروت و دارایی یک فرد به فرد دیگر باشد، با توجه به اینکه این امر مغایر با این واقعیت است که اختیارات اشغالگر مبتنی بر حفاظت از منافع نظامی خود و ترویج قانون و نظم است (Cuyckens: 2017, 135).

۳/۳. منع غارت

«غارت»^۱، شدیدترین نقض حق مالکیت خصوصی است؛ مطابق با ماده ۴۷ کنوانسیون لاهه، «غارت به صورت رسمی ممنوع است» و در این مورد میان اموال خصوصی و عمومی

¹. Pillage

یا دولتی تفاوتی وجود ندارد (Hague Convention : 1907, Articles 47). ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، نیز همانند کنوانسیون لاهه بر منع غارت در سرزمین اشغالی تأکید می‌کند و هرگونه اقدام تلافی‌جویانه علیه افراد و اموال ایشان در مناطق اشغالی را ممنوع می‌کند (Geneva Convention IV : 1949, Article 33). پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (درباره مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی) نیز ارتکاب غارت علیه افرادی که مستقیماً در جنگ دخالت ندارند یا از دخالت در مخاصمه دست کشیده‌اند را ممنوع اعلام کرده است (Protocol II : 1977, Article 2).

غارت تحت ماده هشتم اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان یکی از جنایات جنگی، جرم‌انگاری شده است. اساسنامه، جنایت غارت را هم در ارتباط با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (Rome Statue : 1998, Article 8(b) (xvi)) و هم مخاصمات فاقد وصف بین‌المللی (Rome Statue : 1998, Article 8(e) (v)) قابل تحقق می‌داند. نخستین دستورالعمل‌های نظامی رعایت قواعد جنگی نیز، همگی بر ممنوعیت مطلق غارت اتفاق دارند. قاعده شماره ۵۲ مجموعه قواعد عرفی نیز منع غارت را به عنوان تعهد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شناسایی کرده است؛ قوانین ملی بسیاری از کشورها از جمله الجزایر، آلبانی، فرانسه، اسپانیا، بلغارستان، بنگلادش، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، شیلی، برزیل، ایتالیا و چین نیز غارت را جرم‌انگاری کرده‌اند (Henckaerts & Doswald-Beck : 2012, 182).

شعبه دادرسی بدوی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده ژان پیر بمبا، غارت را تصرف غیرقانونی اموال متعلق به غیر (دشمن یا غیرنظامیان) بدون رضایت مالک، با قصد استفاده شخصی یا خصوصی تعریف می‌کند (ICC : 2016, paras.113-125). دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده توتا و دیگران، غارت را نوعی تصرف عمدی و غیرقانونی اموال تعریف می‌کند که ممکن است هم علیه اموال عمومی و هم خصوصی اتفاق بیفتد مفهوم غارت با اصطلاحاتی همچون «چپاول»^۱ یا «تاراج»^۲ هم معنی است و جملگی آن‌ها به تصرف غیرقانونی بدون رضایت مالک اشاره دارند. دیوان بین‌المللی

1. Looting

2. Plundering

دادگستری در رأی فعالیت‌های نظامی در کنگو (۲۰۰۵) به واژگان چپاول و تاراج اشاره داشته است. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز اصطلاح چپاول ذکر شده است (حسن‌جان‌زاده، ۱۴۰۴، ۷)؛ این محکمه در روبه خود، تاراج را مترادف غارت می‌داند (ICTY: 2003, para.613). «منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها»^۱ نیز از اصطلاح «یغماگری»^۲ استفاده کرده است (حسن‌جان‌زاده، ۱۴۰۴، ۷) با توجه به اینکه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در پیگردهای خود سراغ پرونده‌هایی می‌روند که شدت جنایت گسترده باشد، معمولاً غارتگری‌های سازمان‌یافته مورد بررسی ایشان قرار می‌گیرد چنانچه اساسنامه رم نیز این رویکرد را دنبال می‌کند. با این حال ممنوعیت غارتگری هم شامل غارتگری سازمان‌یافته و هم غارتگری فردی و محدود است. از این رو غارت دارایی یک خانه توسط یک فرد نیز می‌تواند نقض حقوق بشردوستانه محسوب شود. دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده بمبا به این موضوع اشاره داشته است. بر اساس رأی پرونده توتا و دیگران، تاراج یا غارت دارای دامنه وسیعی بوده و شامل تصرفات گسترده سازمان‌یافته به قصد استعمار اقتصادی و هم شامل اقدامات فردی به قصد کسب منفعت شخصی است (ICTY: 2003, para.612). در این پرونده تأکید می‌شود، ضرورت ندارد اموال خصوصی هدف غارت، دارای ارزش اقتصادی گسترده باشد. غارت اغلب با خشونت همراه است با این حال براساس مقررات و رویه قضایی فوق، صرف تصاحب غیرقانونی موجب تحقق غارت می‌شود و وجود یا عدم وجود هر سطحی از خشونت، شرط تحقق عمل ممنوعه غارت نیست. همچنین بر اساس رأی فعالیت‌های نظامی در کنگو، یک قدرت اشغالگر نه تنها باید از غارت و چپاول توسط نیروهای خود جلوگیری کند، بلکه موظف است مانع اقدامات چپاول‌گرانه اشخاص خصوصی نیز بشود (ICJ: 2005, paras.248-249). موضوع غارت و چپاول اموال خصوصی غیرنظامیان و مردم در جنگ‌های معاصر، همچون جنگ جهانی دوم، جنگ عراق علیه ایران و جنگ کویت قابل ملاحظه بود؛ دیوان نظامی نورنبرگ، چپاول اموال خصوصی توسط نیروهای آلمان در سرزمین‌های اشغالی طی جنگ جهانی دوم را به عنوان جنایت جنگی محکوم کرد. حتی مسئولیت کیفری افراد

1. African Charter on Human and Peoples' Rights

2. Spoliation

خصوصی که در اعمال چپاول مشارکت داشتند در تعدادی از محاکمات جنایات جنگی مورد تأیید قرار گرفت (Loucaides : 2004, 680). شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۶، عراق را بابت نقض حقوق بشردوستانه علیه غیرنظامیان در کویت از جمله غارت اموال خصوصی، مسئول دانست (S/RES/666).

۴/۳. مقایسه اعمال ممنوعه علیه مالکیت و اموال خصوصی

تخریب موجب انهدام کامل یا جزئی اموال خصوصی می‌شود؛ اهداف تخریب می‌تواند نظامی، تنبیهی یا راهبردی باشد، همانطور که پیش‌تر گذشت اقدام تنبیهی ممنوع است و برای اهداف نظامی، تنها احراز ضرورت مطلق نظامی رافع مسئولیت خواهد بود. اثر تخریب معمولاً دائمی است و مال غیرقابل برگشت است. غارت و مصادره دائم، هر دو تصاحب غیرقانونی مال می‌باشند و از سویی دیگر احتمال بازگشت مال در صورت عدم انهدام وجود دارد؛ با این حال در غارت و چپاول، انگیزه بهره‌برداری شخصی پررنگ‌تر است و از سویی دیگر، غارت معمولاً نسبت به اموال منقول نظیر پول، جواهر، غذا، البسه شخصی و نظیر آن اتفاق می‌افتد. در مصادره کردن معمولاً یک حکم یا فرمان از طرف مرجع قدرت اشغالگر صادر می‌شود، صرف نظر از اینکه این فرمان با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه منطبق باشد یا خیر. در مصادره، اهداف عمومی و راهبردی پررنگ است.

توقیف و مطالبه که در کنار مصادره، نوعی از تصرف مال می‌باشند، استثناهایی هستند که تصاحب مال را به صورت موقت یا رعایت شرط پرداخت غرامت، قانونی می‌دانند. با توجه به شرایطی بحث شد، تخریب، توقیف و مطالبه در مواردی استثنائی مجاز هستند در حالیکه غارت و مصادره دائم اموال خصوصی، مطلقاً ممنوع هستند.

۵/۳. تفکیک مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی در حقوق بین‌الملل

بشردوستانه

براساس کنوانسیون لاهه، قدرت اشغالگر مجاز است اموال عمومی منقول دشمن (مانند وجوه نقد یا تجهیزات نظامی) را که مستقیماً در عملیات جنگی قابل استفاده هستند، به عنوان غنیمت جنگی ضبط کند (Hague Convention : 1907, Article 53). اما در مورد اموال عمومی غیرمنقول مانند زمین‌ها، ساختمان‌های دولتی یا منابع طبیعی،

اختیارات اشغالگر محدود به حق انتفاع است. این بدان معناست که اشغالگر می‌تواند از منافع این اموال (مانند درآمد حاصل از آن‌ها) استفاده کند، اما حق تصرف در اصل مال یا تغییر ماهوی آن را ندارد. مواد خام استخراج‌نشده (مانند نفت یا گاز) جزو اموال غیرمنقول عمومی محسوب می‌شوند. بر اساس تفسیر حقوق رومی و نظام‌های حقوق نوشته، صرفاً بهره‌برداری معقول مجاز است، اما تنها به میزانی که پیش از اشغال متداول بوده است. بنابراین، حفاری چاه‌های جدید نفتی یا توسعه بهره‌برداری فراتر از سطح پیشین، نقض حق انتفاع محسوب می‌شود.^۱ تمایز بین اموال عمومی و خصوصی همیشه روشن نیست، به ویژه در مواردی مانند: مالکیت اشتراکی (مانند زمین‌های مشاع) و حقوق سنتی جوامع بومی بر اراضی مورد استفاده آن‌ها، اشغالگر ممکن است از این ابهام سوءاستفاده کند، چرا که تنها مجاز به استفاده از اموال عمومی است. معیار اصلی برای تشخیص عمومی یا خصوصی بودن مال، قوانین داخلی سرزمین اشغالی است، اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه استثنائاتی قائل شده است که در قسمت بعد مورد اشاره خواهند بود. از آنجا که فلسفه اعطای حق اداره اموال عمومی به اشغالگر، صرفاً ناشی از ناتوانی دولت ساقط‌شده از مدیریت آن‌هاست، دامنه اموال عمومی باید به شدت محدود شود و تنها شامل اموالی شود که مستقیماً تحت مالکیت نهادهای مرکزی دولت بوده‌اند؛ این تفسیر مضیق، از سوءاستفاده قدرت اشغالگر جلوگیری می‌کند (Sassòli: 2024, 358-359).

موقعیت برتر اموال خصوصی نسبت به اموال عمومی می‌تواند به ضرر کشورهای باشد که اقتصاد آن‌ها ملی شده است. از سویی دیگر، گاهی مرز بین تفکیک اموال خصوصی و عمومی مبهم است و این ابهام در مورد زمین‌های مشترک (که نه خصوصی هستند و نه منعلق به دولت و جوامع محلی)، مالکیت مشترک عمومی و خصوصی بر یک ملک؛ اموال نهادهای شبه دولتی و حتی امتیازاتی که توسط یک دولت به اشخاص خصوصی اعطا شده، قابل ملاحظه است (Dinstein: 2009, 211).

۱. فراتر از محدودیت‌های حقوقی، برخی استدلال می‌کنند که منابع طبیعی اشغال‌شده باید به نفع جمعیت محلی مورد استفاده قرار گیرند. برخی نیز این مسئله را با حق تعیین سرنوشت ملت‌ها پیوند می‌زنند، به ویژه اگر سرزمین اشغالی متعلق به یک گروه دارای هویت ملی مشخص باشد.

در رای داوری فانوس دریایی که پیرامون اشغال سالونیک توسط یونان در جنگ اول بالکان می‌گذشت، عوارض فانوس دریایی توسط یک شرکت خصوصی فرانسوی جمع آوری می‌شد که این امتیاز توسط دولت عثمانی به این شرکت اعطا شده بود. یونان قصد داشت این وجوه را به عنوان وجوه دولتی توقیف کند اما دادگاه داوری اعلام می‌کند اگر عوارض توسط دولت جمع آوری می‌شد، به عنوان بودجه دولتی قابل ضبط بود؛ با این حال، چون حق جمع آوری برای شرکت فرانسوی است، وجوه دریافتی باید به عنوان دارایی خصوصی شناسایی شوند و در نتیجه قابل توقیف نیستند در رویه دیوان عالی اسرائیل مادامی که در مورد مالکیت خصوصی و عمومی تردید وجود دارد، اصل بر عمومی بودن اموال خواهد بود (Dinstein: 2009, 211-212). دستورالعمل نظامی ارتش بریتانیا نیز در صورت وجود تردید در خصوصی و عمومی بودن اموال یافت شده در سرزمین دشمن، اصل را بر عمومی بودن می‌گذارد مگر اینکه ماهیت خصوصی آن مشخص شود (Ministry of Defence: 2011, 304). لازم به ذکر است براساس ماده ۵۶ کنوانسیون لاهه نظام حاکم بر اموال شهرداری‌ها، مؤسسات مذهبی، آموزشی، علمی و خیریه حتی اگر دولتی باشند، مشمول قواعد حمایت از مالکیت خصوصی هستند. (Hague Convention: 1907, Article 56).

۶.۳. ارتباط نقض مالکیت خصوصی با دیگر نقض‌های حقوق بین‌الملل در زمان

مخاصمه مسلحانه

نقض مالکیت خصوصی در دوران اشغال نظامی ممکن است همزمان مصداق نقض سایر تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا حقوق بشر تلقی شود و یا مسیری به سمت نقض این تعهدات باشد. از این جهت، وقوع نقض‌های حقوق بین‌المللی مانند «تبعید و انتقال اجباری جمعیت»^۱، «آزار و اذیت»^۲ و حتی رفتارهای بی‌رحمانه و ظالمانه نیز ممکن است با نقض مالکیت خصوصی زمینه‌سازی شوند. انتقال، تبعید و اسکان اجباری جمعیت براساس ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو ممنوع است مگر در صورتی که ضرورت نظامی

1. Deportation or Forcible Transfer of Population

2. Persecution

ایجاب کند؛ این یک وضعیت موقتی است و سکنه منطقه اشغالی باید به محل سکونت خود بازگردند (Geneva Convention IV : 1949, Article 49). انتقال اجباری بدون ضرورت نظامی، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت اشغاکر و همچنین مسئولیت کیفری بین‌المللی مرتکبان به موجب مواد هفتم و هشتم اساسنامه رم است (Rome Statute : 1998, Article 7(1) (d), Article 8 (2) (a) (vii) & 2(b) (viii)). وقتی خانه‌های غیرنظامیان به طور سازمان‌یافته تخریب یا مصادره می‌شوند، ساکنان عملاً از حق مسکن و زندگی امن محروم می‌شوند. اگر گزینه‌ای جز ترک منطقه برای آن‌ها باقی نماند، اقدام قدرت اشغالگر یک اجبار غیرمستقیم محسوب می‌شود.^۱

آزار و اذیت یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود که به معنای محرومیت عمدی و شدید یک گروه یا جمعیت از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین‌الملل به دلیل هویت ملی، مذهبی، قومی، فرهنگی یا نژادی یا دلایل سیاسی و جنسیتی است (Rome Statute : 1998, Article 7(2) (g)). دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده تیهومیر بلاشکیچ، ارتباط میان نقض شدید مالکیت خصوصی و جنایت آزار و اذیت را مورد اشاره قرار داده است؛ به عقیده دیوان، تخریب گسترده و مصادره هدفمند اموال خصوصی و منازل یک جمعیت خاص (در این پرونده منظور جمعیت مسلمان بوسنی) می‌تواند مصداقی از جرم آزار و اذیت به عنوان جنایت علیه بشریت باشد (ICTY : 2000, para.157 & para.227). لازم به ذکر است آزار و اذیت، انتقال و تبعید اجباری در کنار اعمالی مانند قتل و شکنجه علیه گروه‌های خاص، باهدف کنترل یک ناحیه و تغییر ترکیب قومی آن، تحقق بخش «پاکسازی قومی»^۲ است. گزارش سال ۱۹۹۴ کمیسیون کارشناسان سازمان ملل متحد در ارتباط با یوگسلاوی سابق، تخریب عمدی اموال خصوصی افراد را یکی از ابزارهای ارتکاب پاکسازی قومی عنوان کرده است (S/1994/674). در نتیجه نقض

۱. ماده هشتم اساسنامه رم، انتقال اجباری غیرمستقیم (Indirectly Transfer) را به عنوان یکی از جنایات جنگی مورد اشاره قرار داده است (Rome Statute: 1998, Article 8(2)(b)(viii)).

۲. Ethnic Cleansing

مالکیت خصوصی سکنه سرزمین اشغالی، در مواردی به نقض سایر حقوق اساسی بشر و تعهدات حقوق بین الملل بشردوستانه می انجامد.

۴. وقایع جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) و احترام به مالکیت خصوصی در اراضی

اشغالی

درگیری فلسطینی‌ها و رژیم اشغالگر قدس یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین منازعات در خاورمیانه است که حتی پیش از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ در جریان است. از آن زمان تاکنون، سرزمین فلسطین شاهد جنگ‌های متعدد و بحران‌های انسانی بوده است. کرانه باختری رود اردن، از جمله قدس شرقی، همچنان تحت اشغال نظامی اسرائیل است و از سوی دیگر ساخت شهرک‌ها علی‌رغم مخالفت‌های بین‌المللی ادامه دارد. نوار غزه، به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تنش، بارها هدف حملات سنگین اسرائیل قرار گرفته و با محاصره اقتصادی و بحران‌های شدید روبه‌رو شده است. جنگ‌های ویرانگری مانند جنگ ۲۰۰۸، ۲۰۱۴ و درگیری‌های اخیر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ باعث کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی فلسطینی و تخریب گسترده زیرساخت‌های این منطقه شده است.

در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نیروهای جنبش مقاومت اسلامی موسوم به حماس، عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه مواضع اسرائیل آغاز کردند. این عملیات شامل پرتاب هزاران راکت به سمت شهرک‌های اسرائیلی اطراف غزه، نفوذ زمینی به برخی پایگاه‌های نظامی و مناطق مرزی اشغالی، و استفاده از تیربارهای هوایی (پاراگلایدرهای نظامی) بود. این حملات تلفات انسانی و خسارات نظامی برای اسرائیل در پی داشت. در پاسخ، اسرائیل حملات گسترده هوایی و زمینی را علیه نوار غزه آغاز کرد که باعث قتل عام گسترده غیرنظامیان شد. این درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و به جنگی طولانی با تلفات و خسارات قابل توجه تبدیل شده است. اسرائیل از ابتدا اهداف خود از ادامه‌ی حملات را نابودی کامل حماس، آزادسازی گروگان‌های اسرائیلی و خنثی‌سازی تهدیدهای امنیتی از ناحیه‌ی غزه با در اختیار گرفتن کنترل این منطقه اعلام کرده است. این اهداف اخیراً در جلسه‌ی کابینه‌ی امنیتی اسرائیل نیز مورد تأیید قرار گرفته است. اسرائیل برای دستیابی

به اهداف خود، سیاست کوچ اجباری، بمباران‌های گسترده اماکن مسکونی، بیمارستان‌ها و سایر مراکزی که تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند، حملات مستقیم علیه غیرنظامیان و به ویژه زنان و کودکان، قطع منابع حیاتی نظیر آب، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه نظیر غذا و اقلام پزشکی، اجرای سیاست گرسنگی دادن اجباری به اهالی غزه را در پیش گرفته است و تاکنون ده‌ها هزار نفر از مردم غزه کشته، زخمی و آواره شده‌اند.

از اواخر اکتبر ۲۰۲۳ ارتش اسرائیل عملیات نظامی به قصد ورود به غزه را آغاز کرد و ابتدا بیت حانون و بوریچ مورد حمله قرار گرفتند؛ در این زمان حملات هوایی ارتش اسرائیل به غزه دو برابر شد و دسترسی به شبکه تلفن و اینترنت نیز قطع شد. ارتش اسرائیل در سه جبهه بیت حانون، بیت لاهیا و جحرالدیک پیشروی می‌کند و در پایان ماه اکتبر، جاده صلاح‌الدین که نقطه ارتباط شمال و جنوب غزه بود، تصرف اسرائیل درآمد. در نوامبر ۲۰۲۳ غزه تحت محاصره کامل ارتش اسرائیل درآمد. در ادامه، گستره عملیات زمینی ارتش اسرائیل، مناطق مختلفی همچون جباليا (شمال غزه)، خان یونس (جنوب غزه)، رفح، البریج، العطاره و البرکه را در برگرفت و مناطقی تحت اشغال ارتش اسرائیل درآمد. به صورت همزمان درگیری‌هایی نیز میان نیروهای اسرائیل و فلسطینیان در مناطق اشغالی کرانه باختری در طول جنگ رخ داد.

به گزارش رسانه‌های فلسطینی و «دیده بان حقوق بشر اروپا/مدیترانه»^۱، نیروهای نظامی اسرائیل متهم به سرقت گسترده اموال و دارایی‌های فلسطینیان در نوار غزه هستند. براساس این گزارش، پس از غارت اموال، سربازان اسرائیلی خانه‌های فلسطینیان را به آتش کشیده و تصاویر اموال دزدیده شده را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. این مرکز ادعا کرده که نظامیان اسرائیلی تاکنون ده‌ها میلیون دلار پول نقد، جواهرات، طلا، فلزات گران‌بها و صنایع دستی متعلق به ساکنان غزه را سرقت کرده‌اند. حتی دام‌های اهالی غزه نیز توسط سربازان اسرائیل تصاحب می‌شود. در این دوران شبکه‌های اجتماعی مملو از تصاویر و فیلم‌هایی بود که غارت و چپاول دارایی‌ها و اموال منقول غیرنظامیان را

^۱. Euro-Mediterranean Human Rights Monitor

نشان می‌داد. به عنوان نمونه، کلیپ‌هایی از سربازان اسرائیلی حاضر در نوار غزه منتشر شد که البسه شخصی زنان را نیز غارت و برای سرگرمی و تمسخر از آن استفاده کرده‌اند. گزارش‌هایی که از مناطق هدف حمله منتشر می‌شد، نشان می‌داد نه تنها نیروهای رده پایین بلکه افسران ارشد نیز در سرقت اموال غیرنظامیان دخالت می‌کردند. حتی تلاش‌هایی در راستای فروش و تجارت اموال مسروقه مردم غزه اتفاق می‌افتد. قوانین و رویه قضایی مرتبط با حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تأیید می‌کنند که غارت شامل تصاحب غیرقانونی اموال، حتی در مقیاس کوچک است و نیازی به خشونت یا ارزش اقتصادی بالا هم ندارد. انفعال مقامات اسرائیل برای جلوگیری از غارت و چپاول توسط نیروهای ارتش و حضور افسران ارشد در غارتگری و چپاول، نشان‌دهنده الگویی سازمان‌یافته است.

ویژگی متمایز جنگ غزه، انتشار تصاویر غارت در شبکه‌های اجتماعی است که به عنوان ابزاری برای تحقیر غیرنظامیان استفاده شده است. براساس قاعده شماره ۹۰ مجموعه قوانین عرفی، تحقیر غیرنظامیان ممنوع است (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 315) و ماده سوم مشترک کنوانسیون‌های ژنو نیز این ممنوعیت را مقرر کرده است. ماده هشتم اساسنامه رم نیز تحقیر را جزو جنایات جنگی می‌داند (Rome Statue: 1998, Article 8(2)(b)). در نتیجه این اقدام نیروهای اسرائیلی، شدت نقض حق مالکیت خصوصی را افزایش می‌دهد. همانطور که غارت گسترده در جنگ‌های یوگسلاوی سابق، مصداقی از آزار و اذیت و کوچ اجباری جمعیت دانسته می‌شود، در جنگ غزه هم شاهد چنین سیاستی هستیم.

نیروهای نظامی اسرائیل در مناطق تحت کنترل خود در غزه، اقدام به تخریب منازل و اماکن باقی‌مانده کرده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که این تخریب‌ها به عنوان بخشی از اقدامات تنبیهی علیه ساکنان این مناطق صورت گرفته است. تخریب اموال در مناطق مورد مناقشه توسط اسرائیل سابقه‌ای تاریخی دارد و در درگیری‌های پیشین نیز گزارش‌هایی از چنین اقداماتی در چارچوب سیاست‌های امنیتی و در پاسخ به عملیات گروه‌های فلسطینی وجود داشته است. اسرائیل در ادامه نابودسازی اموال خصوصی فلسطینی‌ها به شهرک‌سازی مبادرت می‌ورزید، سیاستی که به نظر می‌رسد جزو برنامه‌های

آینده اسرائیل در جریان جنگ فعلی با حماس باشد. تئودور مرون^۱، حقوقدان بین‌المللی سرشناس، روزگاری به عنوان مشاور وزیر امور خارجه اسرائیل پس از جنگ شش روزه (۱۹۶۷)، ایجاد شهرک‌ها در اراضی اشغالی کرانه باختری و سایر نقاط تصرف شده را نقض کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق غیرنظامیان دانست و به مسئولان اسرائیل هشدار داده بود. هشدارهایی که هیچگاه مورد توجه سران اسرائیل قرار نگرفت (Meron: 2017, 358). ارتش اسرائیل چندین روش را برای عملیات تخریب در مناطق اشغالی جدید در پیش گرفت و برای اجرای این سیاست از بولدوزرهای نظامی مختلف از جمله زرهی، بیل مکانیکی برای ساختمان‌های چند طبقه و بولدوزرهای چرخدار برای خانه‌های کوچک با خطرات کم استفاده کرد. نیروهای اسرائیلی اغلب در مواقعی که خطر تخریب ساختمان وجود داشت از بولدوزر زرهی سنگین D9 استفاده می‌کرد، به عنوان مثال زمانی که رزمندگان مقاومت مسلح در داخل ساختمان محاصره می‌شدند اقدام به استفاده از این بولدوزر برای تخریب ساختمان می‌کرد. یکی از گسترده‌ترین روش‌هایی که اخیراً در پیش گرفته شده است، عملیات انفجار ناشی از کار گذاشتن مواد منفجره در یک خانه یا چند خانه است و این عمل در تخریب مجتمع‌های مسکونی بزرگ در شمال نوار غزه و همچنین عملیات تخریب گسترده در شهر رفح در جنوب نوار غزه به وضوح مشهود بوده است. دیده بان حقوق بشر در گزارش نوامبر سال ۲۰۲۴ خود، اذعان می‌دارد که از نوامبر سال ۲۰۲۳ تا سال ۲۰۲۴، باغ‌ها، مزارع و گلخانه‌های متعددی در مناطق اشغال شده غزه توسط نیروهای اسرائیل به صورت سازمان‌یافته تخریب شده است؛ تصاویر ماهواره‌ای گواهی می‌دهد که از بولدوزرها برای تخریب استفاده شده است (Human Rights Watch: 2024, 119). دیده بان حقوق بشر با استناد به گزارش روزنامه هآرتص در ژانویه سال ۲۰۲۴، از مجاز بودن سربازان اسرائیلی به آتش زدن و تخریب منازل اهالی غزه پس از تسلط یافتن بر مناطق خبر داد. برخی نیروهای اسرائیل در رسانه‌های اجتماعی، دلیل این اقدامات را انتقام‌جویی دانستند (Human Rights Watch: 2024, 123). آتش زدن خانه‌های مردم در حوالی مجتمع پزشکی

¹. Theodor Meron

الشفافا پس از تخلیه شدن در مارس ۲۰۲۴ نیز توسط دیده بان حقوق بشر مدیترانه/اروپا مستند شد (Human Rights Watch: 2024, 119).

براساس گزارش سال ۲۰۲۴ کمیسیون بین‌المللی مستقل تحقیق شورای حقوق بشر، در جریان تخلیه ساکنان، نیروهای امنیتی اسرائیل به عملیات نظامی خود در مناطقی که پیش‌تر به عنوان مناطق امن اعلام شده بود، (از جمله خان یونس و رفح) ادامه دادند. همچنین، تخریب‌های وسیعی در مناطق تخلیه‌شده غزه توسط ارتش اسرائیل رخ داده که به ویرانی بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های مسکونی و اماکن عمومی منجر شده است. ناظران مستقل حاضر در منطقه تأیید کرده‌اند که این تخریب‌ها دامنه‌ای گسترده داشته و تأثیر عمیقی بر شرایط زندگی ساکنان باقی‌مانده گذاشته و شرایطی را ایجاد کرده است که در آن خانواده‌ها خانه‌ای برای بازگشت ندارند (A/HRC/56/26, para.60). گزارشی از نیویورک تایمز در فوریه سال ۲۰۲۴ براساس مدارک و فیلم‌های جمع‌آوری شده، نشان می‌داد که برخی مقامات ناشناس اسرائیلی، تخریب ساختمان‌ها و خانه‌های اهالی غزه را تلاشی برای ایجاد منطقه حائل تلقی می‌کردند در حالیکه تخریب‌های صورت گرفته خارج از منطقه حائل نیز امتداد داشته است و تعداد تخریب‌ها نیز توسط اسرائیل، پنهان می‌شود. منهای تخریب اموال غیرمنقول، در کلیپ‌های منتشره از سربازان اسرائیل در سال ۲۰۲۵، نابودی غذا و آب موجود در منازل اشغالی نیز گزارش شده است.

عفو بین‌الملل مجموعه این اقدامات را جزئی از راهبرد برنامه‌ریزی شده از سوی اسرائیل، برای نابودی شرایط حیات برای اهالی غزه عنوان کرده است (Amnesty International: 2025)؛ مجموعه اقداماتی با هدف پاکسازی قومی اهالی غزه. همانند جنگ‌های یوگسلاوی و جنگ کویت، غارت و تخریب در جنگ غزه، به مراتب بیشتر، به‌عنوان ابزار تنبیهی و تضعیف روحیه غیرنظامیان استفاده شده است. در هر سه مورد، نقض‌ها با سیاست‌های اشغالگر برای تثبیت کنترل همراه بوده است با این حال در غزه، شهرک‌سازی یک ویژگی متمایز است که به مدت چند دهه با تخریب منازل و مصادره دائمی زمین آن‌ها پیگیری می‌شود و برای اراضی اشغالی جدید در جنگ جاری نیز چنین برنامه‌ای در ادبیات مقامات اسرائیلی نمایان است.

این گستردگی تخریب در اراضی اشغالی باید در چارچوب اساسنامه رم، مورد توجه دیوان کیفری بین‌المللی قرار بگیرد. تخریب‌های املاک خصوصی به جهت گستردگی فاقد ضرورت نظامی می‌باشند و نمی‌توان رابطه معقولی میان این اقدامات و غلبه کردن بر شبه‌نظامیانی که به لحاظ تسلیحاتی و لجستیکی قابل مقایسه با ارتش مجهز اسرائیل نیستند، پیدا کرد. دستورالعمل نظامی ارتش اسرائیل، منع تخریب، توقیف، مصادره دائم و غارت نسبت به اموال خصوصی در اراضی اشغالی را مقرر کرده است (Henckaerts & Doswald-Beck: 2012, 173 & 180-182). دستورالعمل‌های نظامی یکی از منابع شناسایی تعهد دولت‌ها به یک عرف بین‌المللی است. این نشانگر تعهد آشکار اسرائیل به حمایت از مالکیت خصوصی فراتر از چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو است؛ از این رو باید گفت اسرائیل، با ارتکاب اعمال فوق که در قالب تخریب، غارت و مصادره دائم قابل توصیف هستند، حمایت از مالکیت خصوصی در اراضی اشغالی را به طرز فاحشی نقض کرده است. نقض‌های مالکیت خصوصی در اراضی اشغال شده در غزه، در آن واحد موجب نقض سایر حقوق بشر نیز شده است و چنانچه دیدیم، انتقال و تبعید اجباری، آزار و اذیت، تحقیر و بی‌احترامی به کرامت انسانی نیز از این نقض‌ها ناشی شده است. در این خصوص رویه دیوان عالی اسرائیل در مقابل اقدامات نیروهای نظامی این رژیم، قابل تأمل به نظر می‌آید. دیوان عالی اسرائیل در پرونده آجوری علیه فرمانده ارتش اسرائیل در کرانه باختری اعلام کرده بود، جابه‌جایی و انتقال اجباری افراد از محل سکونت خود به جای دیگر، آسیبی جدی به حیثیت، آزادی و مالکیت ایشان محسوب می‌شود. به اعتقاد این محکمه، خانه یک فرد، صرفاً سقف بالای سر او نیست بلکه وسیله‌ای برای موقعیت اجتماعی، فیزیکی، زندگی خصوصی و روابط اجتماعی او نیز است؛ جابه‌جایی‌های تحمیلی موجب نقض چندین حق از حقوق اساسی بشر می‌شود (Supreme Court of Israel: 2002, paras.13-22).

نتیجه‌گیری

بررسی حمایت از مالکیت خصوصی در بستر اشغال نظامی، به‌ویژه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نشان می‌دهد که اصول و قواعد موجود در اسناد مهم همچون کنوانسیون چهارم ژنو و پیوست‌های معاهدات لاهه، چارچوبی نسبتاً روشن برای محدودسازی تصرف و نابودی اموال خصوصی توسط دولت اشغالگر فراهم کرده‌اند. با این حال، مصادیق متعدد از نقض این اصول، در واقعیت حاکی از فاصله‌ی معنادار میان قواعد و مقررات حقوقی و واقعیت‌های در میدان نبرد است. تخریب گسترده اموال، مصادره اراضی و ایجاد زیرساخت‌های غیرنظامی با اهداف امنیتی یا استعماری، همگی مصادیقی از رفتارهای دولت اشغالگر هستند که به‌طور مستقیم در تضاد با ممنوعیت‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارند. اگرچه برخی توجیحات نظیر ضرورت نظامی یا امنیت ملی از سوی اشغالگر ارائه می‌شود، اما تحلیل رویه‌های قضایی بین‌المللی و اسناد تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نشان می‌دهد که چنین استثنائاتی باید به‌طور مضیق تفسیر شده و نمی‌توان آن‌ها را بهانه‌ای برای نقض نظام‌مند حقوق ساکنان قلمداد کرد. با یک نگاه تحلیلی باید اذعان کرد که تداوم وضعیت اشغال بدون پاسخگویی مؤثر، منجر به نهادینه شدن الگوهای نقض مالکیت خصوصی و فروپاشی حاکمیت قواعد حقوقی در سرزمین‌های اشغالی می‌شود. چنین روندی نه‌تنها با قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه ناسازگار است، بلکه تهدیدی جدی برای مشروعیت نظم ناشی از حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود. یک نمونه بارز و اخیر از نقض گسترده حقوق بین‌المللی بشردوستانه، اقدامات رژیم صهیونیستی اسرائیل در غزه طی سال‌های اخیر (2023-2025) است. تخریب عامدانه مناطق مسکونی، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی نظیر بیمارستان‌ها، مدارس و خطوط آب و برق و نیز محروم‌سازی ساکنان غزه از منابع حیاتی، همگی مصادیق روشنی از تخطی از قواعد و مقررات حقوقی بشردوستانه‌اند. اقدامات اخیر اسرائیل و سربازانش نه‌تنها برای اسرائیل مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌کند، بلکه می‌تواند راه را برای تعقیب کیفری ناقضین، نزد دیوان کیفری بین‌المللی نیز هموار سازد. این اقدامات، هم به عنوان جنایات جنگی و هم جنایت علیه بشریت قابل توصیف هستند.

در نهایت، لازم است جامعه بین‌المللی از ابزارهای مؤثرتری برای الزام دولت‌های اشغالگر به رعایت تعهدات خود در قبال اموال خصوصی ساکنان تحت اشغال بهره‌گیرد؛ از جمله سازکارهای کیفی بین‌المللی، تحریم‌های هدفمند و حمایت از مستندسازی نقض‌ها جهت پیگیری حقوقی. تنها از این طریق می‌توان امید داشت که اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در عمل نیز محقق گردد و حمایت از مالکیت خصوصی در شرایط اشغال، صرفاً یک آرمان انتزاعی باقی نماند.



فهرست منابع

فارسی

۱. احمدی نژاد، مریم، امین الرعايا، یاسر و متاجی، محسن (۱۳۹۹). تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران. ۵۰(۳): ۱۲۶۳-۱۲۸۵.
۲. بادینی، حسن و شیخ سیاه، جواد. (۱۳۸۹). از "حق مالکیت" تا "حقوق مالکیت": بررسی تطبیقی سیر تحول مفهوم مالکیت. مطالعات حقوق تطبیقی. ۱(۱): ۱-۲۲.
۳. پندار، کمال (۱۳۹۷). بررسی حقوقی مالکیت خصوصی در راستای منافع عمومی. قانون یار. ۲(۷): ۳۸۵-۳۶۵.
۴. حسن جان زاده، زهرا، مشهدی، علی و قدیر، محسن (۱۴۰۴). ماهیت و مفهوم غارت منابع طبیعی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران. (انتشار آنلاین از تاریخ ۱ دی ۱۴۰۴).
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰). حقوق بین الملل بشردوستانه. تهران: گنج دانش.
۶. عبدی، ابوذر و صلح چی، محمدعلی (۱۴۰۳). حقوق کودکان از منظر اسناد مرتبط با حقوق بشردوستانه بین المللی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی. ۱(۲): ۳۳۷-۳۶۹.
۷. فون میزس، لودویگ (۱۴۰۱). لیبرالیسم. ترجمه مهدی تدینی. تهران: پارسه.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). اموال و مالکیت. تهران: میزان.
۹. وری، پیترو (۱۳۹۱). فرهنگ حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه. ترجمه سیامک کرمزاده و کتابیون حسین نژاد. تهران: دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه.
۱۰. ولویون، رضا (۱۳۹۸). اماره مالکیت. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی. ۲(۴): ۴۴۸-۴۹۵.

انگلیسی

1. Cuyckens, L (2017). Revisiting the Law of Occupation. Leiden: Brill.
2. Dinstejn, Y (2009). The International Law of Belligerent Occupation. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Fox, G (2010). Humanitarian Occupation. Cambridge: Cambridge University Press.
4. Henckaerts, J-M. & Doswald-Beck, L (2012). Customary International Humanitarian Law. Volume 1: Rules. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Kolb, R. & Hyde, R (2008). An Introduction to the International Law of Armed Conflicts. Portland: Hart Publishing.

6. Kretzmer, D (2002). The Occupation of Justice the Supreme Court of Israel and the Occupied Territories. New York : State University of New York.
7. Liebllich, E & Benvenisti, E (2022). Occupation in international law. Oxford : Oxford University Press.
8. Mazzeschi, R.P (2021) International Human Rights Law : Theory and Practice. Cham : Springer.
9. Melzer, N (2016). International Humanitarian Law : A Comprehensive Introduction. Geneva : International Committee of the Red Cross.
10. Sassòli, M (2024). International Humanitarian Law : Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare. Cheltenham : Edward Elgar Publishing, DOI : <https://doi.org/10.4337/9781800886919>.
11. Solis, G.D. (2010). The Law of Armed Conflict : International Humanitarian Law in War. Cambridge : Cambridge University Press.
12. Loucaides, L. G (2004). The Protection of the Right to Property in Occupied Territories. The International and Comparative Law Quarterly, 53(3): 677-690. <http://www.jstor.org/stable/3663294>.
13. Meron, Th (2017). The West Bank and International Humanitarian Law On the Eve of the Fiftieth Anniversary of the Six-Day War. American Journal of International Law, 111 (2): 357-75. <https://doi.org/10.1017/ajil.2017.10>.
14. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex : Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. 18 October 1907. (Hague Convention)
15. Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. 12 August 1949. (Geneva Convention IV)
16. HRC. A/HRC/44/60. 22 December 2020.
17. HRC. A/HRC/56/26. 14 June 2024.
18. Human Rights Watch (November 2024). "Hopeless, Starving, and Besieged" Israel's Forced Displacement of Palestinians in Gaza.
19. <https://www.hrw.org/news/2024/11/14/israels-crimes-against-humanity-gaza>. Last Seen 5 June 2025.
20. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field. 24 April 1863. (Lieber Code)
21. Ministry of Defence (10 February 2011). The Joint Service Manual of the Law of Armed Conflict.
22. Project of an International Declaration concerning the Laws and Customs of War. 27 August 1874. (Declaration of Brussels)
23. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts. 8 June 1977. (Protocol II)
24. Rome Statue of the International Criminal Court. 17 July 1998. (Rome Statue)
25. The Laws of War on Land. 9 September 1880. (Oxford Manual)
26. UNSC. S/1994/674. 27 May 1994.
27. UNSC. S/RES/666. 13 September 1990.
28. American Military Tribunal. The United States of America vs. Carl Krauch, et al. Case No. 57. 1948.

29. American Military Tribunal. United States of America V. Wilhelm List et al (Hostage Trial). 11 T.W.C. 757. 1948
30. ECtHR (18 December 1996). Loizidou V. Turkey. Judgment. Application no. 15318/89.
31. ICC. The Prosecutor V. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud. Trial Judgment. ICC-01/12-01/18. 26 June 2024.
32. ICC. The Prosecutor V. Germain Katanga. Judgment pursuant to article 74 of the Statute. ICC-01/04-01/07. 7 March 2014.
33. ICC. The Prosecutor V. Jean-Pierre Bemba Gombo. Judgment pursuant to Article 74 of the Statute. ICC-01/05-01/08. 21 March 2016.
34. ICJ. Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda). Judgement. 19 December 2005.
35. ICJ. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory. Advisory Opinion. 9 July 2004.
36. ICTY. Prosecutor V. Mladen Naletilic, Aka "Tuta" and Vinko Martinovic, Aka "Štela". Judgement. IT-98-34-T. 31 March 2003.
37. ICTY. Prosecutor V. Tihomir Blaki. Judgement. IT-95-14-T. 3 March 2000.
38. Supreme Court of Israel. Ajuri v. IDF Commander in West Bank. HCJ 7019/02; HCJ 7015/023. September 2002.
39. ICRC. Occupation. <https://www.icrc.org/en/law-and-policy/occupation>, Last Seen 13 April 2025.
40. ICRC. Rule 51: Public and Private Property in Occupied Territory. <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule51>. Last Seen 22 May 2025.
41. Amnesty International (8 May 2025). Israel's Forced Displacement of Palestinians and Its Weaponisation of Aid in Gaza May Constitute Crimes Against Humanity and War Crimes. <https://www.amnesty.org.au/israels-forced-displacement-of-palestinians-and-its-weaponisation-of-aid-in-gaza-may-constitute-crimes-against-humanity-and-war-crimes/>. Last Seen 26 May 2025.

References

43. Abdi, A. and Solhchi, M. (2025). The International Humanitarian Rights of Children in War: A Legal Overview. *Research and Development in Public Law*, 1(2): 337-369. <https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2042429.1113>. (in Persian)
44. Ahmadinezhad, M., Aminaeroaya, Y. & Mataji, M. (2020). Conceptual evolution of occupation from the point of view of international law, with emphasis on the situation in the Gaza Strip. *Public Law Studies Quarterly*, 50(3), 1263-1285. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.254005.1746> (in Persian)
45. American Military Tribunal. The United States of America vs. Carl Krauch, et al. Case No. 57. 1948.
46. American Military Tribunal. United States of America V. Wilhelm List et al (Hostage Trial). 11 T.W.C. 757. 1948
47. Amnesty International (8 May 2025). Israel's Forced Displacement of Palestinians and Its Weaponisation of Aid in Gaza May Constitute Crimes Against Humanity and War Crimes. <https://www.amnesty.org.au/israels-forced-displacement-of-palestinians-and-its-weaponisation-of-aid-in-gaza-may-constitute-crimes-against-humanity-and-war-crimes/>. Last Seen 26 May 2025.
48. Badini, H. & Sheikh, J. (2010). From "Right of Property" to "Property Rights": A Comparative Review of the Evolution of the Notion of Property Rights. *Comparative Law Review*, 1(1), 1-22. <https://doi:10.22059/jcl.2010.80783> (in Persian)
49. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. 18 October 1907. (Hague Convention)
50. Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. 12 August 1949. (Geneva Convention IV)
51. Cuyckens, L (2017). *Revisiting the Law of Occupation*. Leiden: Brill.
52. Dinstein, Y (2009). *The International Law of Belligerent Occupation*. Cambridge: Cambridge University Press.
53. ECtHR (18 December 1996). Loizidou V. Turkey. Judgment. Application no. 15318/89.
54. Fox, G (2010). *Humanitarian Occupation*. Cambridge: Cambridge University Press.
55. Hassanjanzadeh, Z., Mashhadi, A. & Ghadir, M. (2024). The Nature and Concept of Pillaging Natural Resources during Armed Conflicts in International law. *Public Law Studies Quarterly*, (Online from 22 December 2025), 1-26. <https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.362502.3358> (in Persian)
56. Henckaerts, J-M. & Doswald-Beck, L (2012). *Customary International Humanitarian Law. Volume 1: Rules*. Cambridge: Cambridge University Press.
57. HRC. A/HRC/44/60. 22 December 2020.
58. HRC. A/HRC/56/26. 14 June 2024.
59. Human Rights Watch (November 2024). "Hopeless, Starving, and Besieged" Israel's Forced Displacement of Palestinians in Gaza.
60. <https://www.hrw.org/news/2024/11/14/israels-crimes-against-humanity-gaza>. Last Seen 5 June 2025.

61. ICC. The Prosecutor V. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud. Trial Judgment. ICC-01/12-01/18. 26 June 2024.
62. ICC. The Prosecutor V. Germain Katanga. Judgment pursuant to article 74 of the Statute. ICC-01/04-01/07. 7 March 2014.
63. ICC. The Prosecutor V. Jean-Pierre Bemba Gombo. Judgment pursuant to Article 74 of the Statute. ICC-01/05-01/08. 21 March 2016.
64. ICJ. Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda). Judgement. 19 December 2005.
65. ICJ. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory. Advisory Opinion. 9 July 2004.
66. ICRC. Occupation. <https://www.icrc.org/en/law-and-policy/occupation>, Last Seen 13 April 2025.
67. ICRC. Rule 51: Public and Private Property in Occupied Territory. <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule51>. Last Seen 22 May 2025.
68. ICTY. Prosecutor V. Mladen Naletilic, Aka "Tuta" and Vinko Martinovic, Aka "Štela". Judgement. IT-98-34-T. 31 March 2003.
69. ICTY. Prosecutor V. Tihomir Blaki. Judgement. IT-95-14-T. 3 March 2000.
70. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field. 24 April 1863. (Lieber Code)
71. Katouzian, N. (2021). Property and ownership. Tehran: Mizan. (in Persian)
72. Kolb, R. & Hyde, R (2008). An Introduction to the International Law of Armed Conflicts. Portland: Hart Publishing.
73. Kretzmer, D (2002). The Occupation of Justice the Supreme Court of Israel and the Occupied Territories. New York: State University of New York.
74. Lieblich, E & Benvenisti, E (2022). Occupation in international law. Oxford: Oxford University Press.
75. Loucaides, L. G (2004). The Protection of the Right to Property in Occupied Territories. The International and Comparative Law Quarterly, 53(3): 677-690. <http://www.jstor.org/stable/3663294>.
76. Mazzeschi, R.P (2021) International Human Rights Law: Theory and Practice. Cham: Springer.
77. Melzer, N (2016). International Humanitarian Law: A Comprehensive Introduction. Geneva: International Committee of the Red Cross.
78. Meron, Th (2017). The West Bank and International Humanitarian Law On the Eve of the Fiftieth Anniversary of the Six-Day War. American Journal of International Law, 111 (2): 357-75. <https://doi.org/10.1017/ajil.2017.10>.
79. Ministry of Defence (10 February 2011). The Joint Service Manual of the Law of Armed Conflict.
80. Pendar, K. (2018). Legal Review of Private Property in the Interests of the Public. Journal of Civil & Legal Sciences (ghanonyar), 2(7), 365-385. <https://sid.ir/paper/259701/en> (in Persian)
81. Project of an International Declaration concerning the Laws and Customs of War. 27 August 1874. (Declaration of Brussels)

82. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts. 8 June 1977. (Protocol II)
83. Rome Statute of the International Criminal Court. 17 July 1998. (Rome Statute)
84. Sassòli, M. (2024). International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, DOI: <https://doi.org/10.4337/9781800886919>.
85. Solis, G.D. (2010). The Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War. Cambridge: Cambridge University Press.
86. Supreme Court of Israel. Ajuri v. IDF Commander in West Bank. HCJ 7019/02; HCJ 7015/023. September 2002.
87. The Laws of War on Land. 9 September 1880. (Oxford Manual)
88. UNSC. S/1994/674. 27 May 1994.
89. UNSC. S/RES/666. 13 September 1990.
90. Valavion, R. (2019). Presumption of ownership. Journal of Research and Development in Comparative Law, 2(4): 448-495. <https://doi.org/10.22034/law.2019.239662>. (in Persian)
91. Verri, P. (2012). Dictionary of the International Law of Armed Conflict. Translated by Siamak Karam Zadeh & Katayoun Hosein Nezhad. Tehran: Iranian Red Crescent Society. (in Persian)
92. Von Mises, L. (2022). Liberalism. Translate by Mehdi Tadayoni. Tehran: Parseh. (in Persian)
93. Ziaee Bigdeli, M.R. (2021). International Humanitarian Law. Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)